

## مقایسه کارکرد اجرایی در کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی

حسن بافنده\*، فروغ حقیقی، راضیه پاک  
pak0312606@gmail.com\*

### چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر به قصد مقایسه کارکرد اجرایی در کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی طراحی و اجرا گردید. کارکرد اجرایی مجموعه ای از فعالیت هایی است که مسئولیت راهنمایی، جهت دهی و مدیریت شناختی و هیجانی، جزئیات عملکرد رفتاری را طی فعالیت حل مسأله به عهده دارد. هدف از مطالعه حاضر مقایسه کارکرد اجرایی در کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی بود. روش اجرا: جامعه آماری مطالعه حاضر شامل کلیه کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی شهرستان آذرشهر در سال ۹۵ می باشد. تعداد شرکت کنندگان شامل ۴۲ نفر به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. از آزمون برج هانوی به عنوان ابزار اندازه گیری استفاده شد. یافته ها: نتایج نشان داد که نمرات کارکرد اجرایی ( $F(1) = 15/00, 18/95, p < 0/05$ ) در کودکان غیر پرورشگاهی از توان بالاتری برخوردار می باشد. نتیجه گیری: به نظر می رسد کودکان پرورشگاهی در کارکرد اجرایی ضعیف تر از کودکان غیر پرورشگاهی عمل کرده اند. حل مسئله یکی از جنبه های کارکرد اجرایی است که نیازمند تفکر و برنامه ریزی است. هنگامی که فرد قبل از برنامه ریزی برای حل مسئله حرکتی را شروع می کند میزان خطا و اشتباه در او زیاد می شود.

کلمات کلید: کارکرد اجرایی، کودکان پرورشگاهی، کودکان غیر پرورشگاهی

### مقدمه

بسیاری از فعالیت های عالی شناختی مانند یادگیری، درک و برنامه ریزی، استدلال و تصمیم گیری تحت هدایت کارکرد اجرایی صورت می گیرد. به عبارتی کارکرد اجرایی مجموعه ای از فعالیت هایی است که مسئولیت راهنمایی، جهت دهی و مدیریت شناختی و هیجانی، جزئیات عملکرد رفتاری را طی فعالیت حل مسأله به عهده دارد. کارکردهای اجرایی اصطلاحی کلی هستند که تمامی فرآیندهای شناختی پیچیده را که در انجام تکالیف هدف مدار دشوار و یا جدید ضروری هستند، در خود جای می دهند و شامل توانایی ایجاد درنگ یا بازداری، برنامه ریزی و بازنمایی ذهنی تکالیف به وسیله حافظه کاری است. در تعاریف متعددی که از کارکرد اجرایی آمده است نکات متفاوتی به چشم می خورد که شامل انعطاف پذیری شناختی، بازداری، سازمان دهی، برنامه ریزی، خود تنظیمی و حافظه کاری است (راث و اسیکین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). کارکردهای اجرایی، برون دادهای رفتار را تنظیم می کنند که معمولاً شامل بازداری و کنترل محرک ها، حافظه کاری، انعطاف پذیری شناختی، برنامه ریزی و سازمان دهی است. انعطاف پذیری شناختی یکی از مولفه های اصلی کارکرد اجرایی می باشد (دنکلا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

<sup>1</sup> Roth & Saykin

<sup>2</sup> Denckla